

روزنامه فرهنگی، اجتماعی با روش خبری – تحلیلی-اطلاع رسانی
بنیانگذار: عبدالحمداکبری | تاسیس: ۱۳۸۲
صاحب امتیاز: شرکت رسانه و ویداد پارسی
مدیر مسئول و سردبیر:امیر اکبری
شبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴ / **سال بیست و یکم** / *دوره جدید* / **شماره ۵۲۰۹** | 08July2025

اصفهان امروز

پیرمرد مهربان چهارباغ در قلب جنگ ۱۲ روزه؛

مردی که با یک مشت گندم، پرواز را به اصفهان برگرداند



تنوانست: دل آدم‌ها رو نرم کرد. وسط ترس، به ما یادآوری کرد هنوز میشه زندگی کرد.»

فروغ، مادر دو کودک هفت و نهمساله، می‌گوید: «بسرانیم دیگه صبح با ترس بیدار نمی‌شوند، آنها می‌گویند باید برویم ببینیم پرندها اومدن یا نه؟ این برای من، یعنی برگشتن حس امنیت.»

کا قهرمان بی‌ادعا، پناه‌بی‌نام

او نه عکسی از خود منتشر کرده، نه فعالیتی در فضای مجازی دارد حتی نامش را خیلی‌ها نمی‌دانند. وقتی از او پرسیدیم که چرا خودش را معرفی نمی‌کند، با لبخند گفت: «اگر بخوای کاری رو واسه دل خودت و دل خدا انجام بدی، دیگر نیازی به تابلو نداری.

من نه قهرمانم، نه چیزی، فقط طاقت نداشتم این صحنه رو ببینم و کاری نکنم.» این حرف‌ها، سادهاند؛ اما تأثیرشان عمیق است. در جهانی که همه دنبال دیدهبنداند، او به دیدنشدن افتخار می‌کند.

کا چهارباغ، نقطه پیوند مهربانی

کار او، کم‌کم به یک پدیده اجتماعی تبدیل شد. مغازه‌داران اطراف، به گفته خودش، گاهی دانه می‌خرند و کنارش می‌ریزند.

یکی از مغازه‌داران می‌گوید: «بعضی روزها پیرمرد نمی‌رسد، ما دانه می‌ریزیم، انگار به یک عهد نانوشته پایبند شدیم. اینجا دیگر فقط یک خیابان نیست... یک قرار مهربانی ست.» برخی کسبه حتی نام جدیدی برای محل گذاشته‌اند: «چهارباغ، مسیر پرواز».

کا بعد از جنگ: زیبایی هنوز ادامه دارد

با پایان جنگ ۱۲ روزه، خلی چیزها به روال قبل برگشت. اما دانه پاشی صبحگاهی همچنان ادامه دارد تنها تفاوت،

راهکارهای حمایت از گردشگری در دوران پساجنگ



او خسارات جنگ به گردشگری را گسترده خواند و از تدوین بسته‌های حمایتی شامل تخفیف‌های بیمه‌ای، مالیاتی و تسهیلات بانکی برای بخش خصوصی خبر داد.

آبانبار تاریخی تودشک در شرق اصفهان مرمت می‌شود



اعم از زن و مرد پند شده است. تودشک در فاصله ۶۰ کیلومتری شهر ورزنه و ۱۰۶ کیلومتری شهر اصفهان

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، خیابان دانشگاه
نرسیده به حکیم نظامی، کوچه شهید روحانی، شماره ۵
تلفن : ۰۲۱-۳۶۲۹۳۷۵۰ (دو خط) فاکس : ۳۶۲۹۳۲۹۱ -۰۲۱
لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز توزیع: رویداد پارسی

امتیاز در زمینه‌ی روزنامه‌های سراسر کشور
 شریک کیفی: ۸۲/۷ رتبه آگهی: ۱
 آیین نامه اخلاق حرفه ای در لینک -درباره ما-
 «اصفهان امروز منتشر شده است»
 www.esfahanerooz.ir

جای خالی موزه ادبیات در اصفهان

رد جای‌جای شهر به‌یادگارمانده است. ما می‌توانیم کارهای بزرگی انجام دهیم؛ کارهایی که تاکنون به هیچ‌کدامشان فکر نکرده‌ایم.

کا زبان و ادبیات هویت است
لایا معصومی‌نایینی، شاعر جوان اصفهان و فعال حوزه گردشگری ادبی اظهار می‌کند: موزه ادبیات در اصفهان و به‌طور کلی در کشورمان ایران موضوعی بسیار بدیع و ناشناخته محسوب می‌شود که تاکنون چندان مطرح نشده است، چه برسد به اجرای آن، اما بی‌تردید فکر کردن به آن اهمیت دارد. او که دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان است، می‌افزاید: اختصاص یک مکان به موزه ادبیات ازاین‌رو مهم، به‌حساب می‌آید که زبان و همه سرمایه‌های ادبی اصلی‌ترین عنصر وجه‌تماز و هویت در هر جامعه‌ای است. در دنیا کم‌وبیش موزه‌های ادبیات وجود دارد که نمونه‌هایش را در شهرهای ورشو، مسکو، وین، دUBLIN و استانبول می‌بینیم.

کا موزه نظامی گنجوی در همسایگی ایران
این شاعر با تأکید بر اینکه تأسیس هر گونه مکان ویژه ادبیات بیش از همه نیازمند بستر فرهنگی و اجتماعی آرام است، ادامه می‌دهد: کشورهای مختلف موزه‌های ادبیات را فراهم آورده‌اند تا مردم با زیست فردی و اجتماعی و زمانه داستان نویسان، شاعران، پژوهشگران ادبی و شاهکارهای هر یک آشنا شوند و با دانش همواره زنده بماند. وسایل شخصی و زندگی روزمره این افراد را نیز تا جایی که ممکن بوده است، به نمایش گذاشته‌اند. معصومی‌نایینی با نظر به یکی از کشورهای همسایه بیان می‌کند: شهر باکو در جمهوری آذربایجان هم موزه ملی ادبیات دارد و جالب است بدانید که عنوان آن را «نظامی گنجوی» گذاشته‌اند. نظامی گنجوی برای ما ایرانیان نامی آشنا و تمامی آثارش به زبان فارسی است، اما هم‌اکنون در کشور آذربایجان از این شاعر چنین بهره‌برداری می‌کنند.

کا سرمایه‌گذاری ترک‌زبان‌های ایرانی فارسی‌گوین
او می‌گوید: حتی در شهر قزوینه ترکیه برای مولانا جلال‌الدین بلخی موزه‌ای به‌نام او تأسیس کردند؛ در اینجا هم سرمایه‌گذاری ترک‌زبانان را برای یک شاعر فارسی‌گوی می‌بینیم. به‌نظر من توان گفت به‌طور کلی در اصفهان یا ایران بحث تأسیس موزه‌ای صرفاً برای ادبیات نادیده گرفته شده است. این شاعر با تأکید بر اهمیت اختصاص سرمایه مادی به موضوع موزه ادبیات بیان می‌کند: تأسیس موزه ادبیات در اصفهان مستلزم هزینه‌کردن است. ای‌کاش چنین اتفاقی نیفتد و برای ادبیات فارسی که بخش وزینی از میراث ناملموس فرهنگ ما است، موزه‌ای در اصفهان یا هر شهر دیگری اختصاص دهند.

کا از سبک هن‌دی تا بازگشت ادبی
معصومی‌نایینی سپس یادآور می‌شود: اگر واقعاً توانایی تأسیس یک موزه مستقل ادبیات وجود ندارد، باید از بستر آرامگاه شاعران برای تعریف چنین محیطی و فعالیت‌های متعدد فرهنگی بهره برد، یعنی در همان مقبره یا در مجاورت آن یک فضای فیزیکی تعریف شود که کارکرد آن ویژه موزه ادبیات، همچنین محفلی برای شناخت درست و دوستی بیش‌ازپیش با زبان و ادبیات فارسی باشد. او با نظر به ادبیات اصفهان توضیح می‌دهد: اصفهان در سبک «هندی»، «بازگشت ادبی» و نیز «ادبیات‌معاصر» جایگاه مهم و خاص خود را دارد. اگر زمانی موزه ادبیات در این شهر بنیان شود، هم‌گام یکی از وظایف آن تبیین و پرداختن به این موضوعات است. ما حتی از ظرفیت‌های کنونی نیز به‌درستی استفاده نمی‌کنیم.

کا شاعران اصفهان در پرگاه فراموشی
این شاعر اضافه می‌کند: برای نمونه، ظرفیت آرامگاه صائب بیش از آن چیزی است که این روزها در اصفهان می‌بینیم. شاید مقبره صائب نتواند جایگاهی مانند حافظیه و سعدیه در شهر شیراز پیدا کند. اما می‌تواند مبدأ رویدادهای اثرگذاری باشد. امین‌پور خود مردم اصفهان و البته همه ایرانیان بیش از گذشته به این شاعر نامدار آریمید در محله آلبان اقبال نشان دهند. معصومی‌نایینی با اشاره به اهمیت جذب گردشگر و توریهای ادبی در اصفهان تأکید می‌کند: خود مردم اصفهان کم‌وبیش از وجود آرامگاه صائب مطلع‌اند، اما به‌رحت می‌توان گفت که مقبره کمال‌اسماعیل در محله چوپاره کاملاً مغفول مانده است. اصفهان شاعران نامدار دیگری چون مجمر اصفهانی، آذر بیگلی، صغیر اصفهانی، شقای اصفهانی و سروش اصفهانی هم دارد.

کا امروز یا شاید وقتی دیگر؟
اصفهان شهری که چشمانش در درازنای تاریخ به روی اهل‌قلم بسیاری با جایگاه ملی روشن شده است، دریایی از قصه‌ها و ترانه‌های شفافه نیز در دل دارد. موزه ادبیات می‌تواند به حفظ میراث‌فرهنگی ما در هر دو ساخت مکتوب و شفاهی و پیشکش آن‌ها به نسل‌های آینده از بستری پسمان و خلأی یاری برساند. موزه ادبیات می‌تواند به روی تاریخ چهره‌نامه‌های ادبی اصفهان نیز پنج‌رایی دیدنوار بکشد؛ این موزه می‌تواند مکانی دائمی و تخصصی برای اسپیشناسی مسائل روز زبان و ادبیات فارسی و میزبانی شخصیت‌های نامدار این عرصه از سراسر ایران باشد. چنین جایی می‌تواند انواع فرهنگی اصفهان را به یاد آورد و به دنیای داستان و شعر ارمینان، کلیمان و زرتشتیان شهر هم قدم بگذارد. یک موزه‌ا؛ جنس کلمه، تفکر، خیال، عشق در اصفهانی که الهام‌بخش فرهیختگان غیراصفهانی تاریخ هم بوده‌است، می‌تواند سرچشمه رویدادهای فرهنگی موثری باشد، اگر خود گرفتار اتفاقات بلکه میدان نقش‌جهان و خیابان‌ها و بسترهای دیگری ظرفیت برگزاری تورهای ادبیات را دارند، چون رد نویسندگان و شاعران ما برنده است.

برگزاری تورهای ادبیات را دارند، چون رد نویسندگان و شاعران ما

روایت‌های آئینی

احساس تعلق می‌سازند



یک جامعه‌شناس فرهنگی گفت: محرم قصبه‌گوترین آئین شهری است که می‌تواند نسل‌ها را به یکدیگر پیوند دهد و حافظه شهر را احیا کند.

به گزارش مهر، شهرهایی مثل اصفهان، باآن‌همه پیشینه و خاطره، اگر روایت‌هایشان از یاد برود، دیگر تفاوتی با شهرهای خوابگاهی ندارند. آنچه شهر را به‌جان مردمش گره می‌زند، قصه‌های شهر است؛ و آئین‌های محرم می‌توانند این قصه‌ها را زنده کنند. در همین زمینه، حسن ایمانی، جامعه‌شناس فرهنگی و پژوهشگر حوزه شهر و آئین‌های مذهبی ما را به اهمیت روایت‌های شهری و نقش بی‌بدیل محرم در بازآفرینی حافظه جمعی شهرها رهنمون می‌سازد.

می‌توان گفت محرم فراتر از مناسک صرف، یک ظرفیت فرهنگی برای بازآفرینی روایت‌های شهر است؟

دقیقاً همین‌طور است. بگذارید یک مثال بزنم. مراسم گلاب‌گیری مقصر کاشان در اصل یک فرایند اقتصادی است. اما امروز به واسطه تبدیل‌شدن به یک آئین و یک قصه، تبدیل به رویدادی شده که در آن هزاران نفر شرکت می‌کنند. آئین گلاب‌گیری تبدیل به یک روایت زنده شده است. آیین‌هایی که روایت پیدا می‌کنند، مردم را به شهرشان پیوند می‌زنند. ما در اصفهان انبوهی از روایت‌ها و قصه‌ها داریم که متأسفانه مغفول مانده‌اند. درحالی‌که این روایت‌ها می‌توانستند سرمایه فرهنگی ما باشند و احساس تعلق را تقویت کنند. آئین‌های محرم یک امکان بسیار جدی برای بازسازی حافظه تاریخی شهر هستند.

کا از نظر شما چرا بخشی از شهرهای ما به‌ویژه شهرهای جدید فاقد روایت شده‌اند؟

یکی از بحران‌های مهم همین است. ما سال‌هاست که به شهرها صرفاً با نگاه فنی و مهندسی نگاه می‌کنیم. نگاه بساز، بفرش، نگاه سودمحور. همین نگاه باعث شده که بافت‌های تاریخی شهرها به‌تدریج تخریب شوند. امروز اگر به یزد بروید، بافت تاریخی تقریباً دست‌نخورده باقی‌مانده است. اما در اصفهان بخش قابل‌توجهی از بافت مرکزی شهر از بین رفته است. وقتی یک مسجد یا یک حسینیه تخریب می‌شود، در ظاهر فقط یک بنا از بین رفته؛ اما در واقع، یک روایت، یک قصه، یک قطعه از حافظه شهر نابود شده است. این فاجعه است. ما با این تخریب‌ها نسبت مکان و روایت را از بین برده‌ایم. نگاه فنی و عمرانی به شهر بدون توجه به معنای شهر، شهر را به یک کالبد بی‌روح تبدیل می‌کند.

کا از نظر شما میزان مشارکت اجتماعی در آئین‌ها چه نقشی در ماندگاری روایت‌ها دارد؟

مشارکت اجتماعی رکن اصلی است. هرچه میزان مشارکت مردم در شکل‌گیری و اجرای آئین‌ها بیشتر باشد، آن روایت‌ها ماندگارتر می‌شوند. روایت‌هایی که بالا تحمل شوند، عمر کوتاهی دارند. اما وقتی مردم خودشان خالق یک آئین باشند، آن آئین با جان و روح شهر گره می‌خورد. این مشارکت اجتماعی علاوه بر ماندگاری، قوام اجتماعی شهر را هم تقویت می‌کند. آئین‌های محرم در شهرهایی که مشارکت مردم در آن بالاست، تبدیل به روایت‌هایی می‌شوند که نسل به نسل منتقل می‌شوند. اگر این مشارکت نباشد، آئین‌ها کم‌فروغ می‌شوند و روایت‌ها هم فراموش می‌شوند.

کا در نهایت، چه خطراتی در صورت بی‌توجهی به روایت‌های شهری ما را تهدید می‌کند؟

بزرگ‌ترین تهدید، حذف حافظه جمعی است. امروز جهان، جهان نبرد روایت‌هاست. هر کس روایت شهر و تاریخ شما را بسازد، هویت شما را هم تعریف می‌کند. اگر خود ما روایتگر تاریخمان نباشیم، دیگران به‌جای ما روایت خواهند ساخت. ما امروز دچار فراموشی تاریخی هستیم. آئین‌های محرم می‌توانند ما از این غفلت نجات دهند. اما مشروط به اینکه آئین‌ها را صرفاً به یک برنامه سالانه تبدیل نکنیم. محرم باید روایت ساز باشد؛ باید قصه‌گو باشد. چون در نهایت بهترین قصه‌گو برنده است.



شهرزاد افلاح

او نه سرباز بود، نه سخنران، نه چهره‌ای معروف. تنها، هر روز، پیش از طلوع، دستانش را از گندم بر می‌کرد و در سکوتی پرمفهوم، بر سنگ‌فرش خیابان می‌ریخت؛ برای پرندگانی که از ترس صدای انفجارها، جرات پرواز نداشتند. عموحسن، پیرمرد مهربان چهارباغ، حالا نامی است که دهان‌به‌دهان در میان مردم می‌چرخد. مردی بی‌ادعا که توانست در میانه جنگ ۱۲ روزه، نه با فریاد که با مهربانی‌اش، معنای مقاومت را بازتعریف کند.

کا وقتی آسمان ساکت شد

«پرندها دیگر نمی‌آمدند حتی گنجشک‌هایی که همیشه صبح زود سروصدا می‌کردند، غیب شده بودند. انگار آسمان خالی شده بود.»

این را خود او می‌گوید. مردی با چهره‌ای آفتاب‌سوخته، سیلی سفید و صدایی آرام. او مغازه کوچکی در گوشه‌ای از چهارباغ دارد. مغازه‌اش نه تابلو دارد و نه حتی نام مشخصی. اما این روزها، همه آن را به «مغازه پیرمرد نادریر» می‌شناسند.

عموحسن در گفت‌وگویی صمیمانه اظهار داشت: «وقتی صدای جنگ اومد، همه ترسیدن. فقط ما نبودیم. پرندها هم نمی‌تونستن بخون. نمی‌تونستن پر بزنن. انگار آسمان هم وحشت کرده بود.»

کا شروع از سکوت، ادامه در همنلی

پیرمرد تعریف می‌کند که روز نخست هیچ پرنده‌ای نیامد. نه گنجشکی، نه قمری‌ای، نه حتی کیوتوهای همیشگی، اما او ناامید نشد. هر روز، همان زمان، همان جا، وی بیان کرد: «فکتم باید صبر کنم.

پرند هه هم دل دارد. اول با ترس میاد، بعد اگر دید امن هست، می‌ماند. باید نشان می‌دام هنوز یک جایی هست که امن است... حتی اگر فقط یک وجب»؛ دو روز، سه روز، پنج‌روز... و بعد، جادویی رخ داد. گنجشک‌ها بازگشتند. قمری‌ها آمدند. کیوتوها روی شاخه‌های درختان نشستند و چهارباغ، دوباره صدادار شد.

کا صدای مردم، انعکاس امید

مردم نیز کم‌کم نتوجه این حضور شدند. ابتدا با تعجب، سپس با لبخند. کودگانی که از صدای جنگ ترسیده بودند، حالا صبح‌ها با اشتیاق به دیدن پرندها می‌آمدند. یکی از رهگذاران می‌گوید:

«این پیرمرد به کاری کرد که هیچ کمین یا سازمانی

از روش‌هایی مانند صدور نکردن ویزا یا دیپورت در

مبادی ورودی استفاده شود.

صالحی امیری به ظرفیت ایرانیان خارج از کشور اشاره و خواستار فراهم‌کردن زمینه حضور آزادانه آنها در ایران شد.

به گزارش صداوسیما، در جلسه حمایت از بخش گردشگری با حضور وزیر میراث‌فرهنگی و فعالان این حوزه، صالحی امیری بر طراحی سناریوهایی متنوع برای مقابله با بحران‌ها تأکید کرد. او گفت: باید با رویکرد گردشگری مقاوم، سناریوهایی متفاوتی برای شرایط متغیر طراحی کنیم. وزیر میراث‌فرهنگی همچنین بر پرهیز از ایجاد ناامنی روانی برای گردشگران خارجی تأکید کرد و گفت :

او خسارات جنگ به گردشگری را گسترده خواند و از تدوین بسته‌های حمایتی شامل تخفیف‌های بیمه‌ای، مالیاتی و تسهیلات بانکی برای بخش خصوصی خبر داد.

او خسارات جنگ به گردشگری را گسترده خواند و

از تدوین بسته‌های حمایتی شامل تخفیف‌های بیمه‌ای، مالیاتی و تسهیلات بانکی برای بخش خصوصی خبر داد.

او خسارات جنگ به گردشگری را گسترده خواند و

رئیس اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان کوهپایه از آغاز عملیات مرمت آبانبار تاریخی روستای تودشک‌چوپه از توابع این شهرستان خبرداد. سعید ملکبان اظهار کرد: باتوجه‌به بررسی کارشناسان میراث‌فرهنگی، سقف و برخی از قسمت‌های آبانبار تاریخی تودشک‌چوپه بر اثر گذر زمان و بارندگی‌های چند سال گذشته دچار آسیب‌هایی شده بود. رئیس اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان کوهپایه ادامه داد: خوشبختانه با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده و همکاری شهرداری و شورای اسلامی شهر تودشک، با تأمین اعتبارات مرمتی لازم، عملیات مرمت این آبانبار تاریخی به دست استادکاران منطقه آغاز شد. آبانبار تودشک دارای پیشینه‌ای ۴۰۰ساله است. این آبانبار معمولی در مرکز شهر کنار مقبره پیشواوی دینی بنام سید محمود واقع شده است که با مشارکت اقشار مختلف مردم